

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۴ می ۲۰۰۹

عرض تسلیت

بزرگ مردِ هنر ، از این جهان رفت
به حق پیوسته ، اوج آسمان رفت
هنرمندِ توانا ، فخرِ فرهنگ
که دور از میهنش ، افغان ستان رفت
گلِ خوشبو و پرِ عطرِ بهاران
دریغا خشک ، چون برگِ خزان رفت
مریضِ بسترِ هجران و جرمان
تنِ رنجور و رنگِ زعفران رفت
ازین محنت سرای نامرادی
ز شهرِ تن به ملکِ جاودان رفت
اگرچه بود چندی ، خوارِ بالین
شکسته بال و پر ، پرپرِ زنان رفت
گهی رنجور بود و گاه مهجور
بهانه کرده همچو عاشقان رفت
گهی آرام و گه ، خاموش و ساکت
که با سوز و گدازِ عارفان رفت
چو شمع از اشکِ حسرت جامه در بر

سراپا سوخت ، امانا گهان رفت
ز هندوستان و پاکستان و ایران
نشاط و شادی روح و روان رفت
سمرقند و ، بخارا ، تاجکستان
شهنشاه همه خنیا گران رفت
(**خلاند**) آفتاب مهر و الفت
خلیل آسا (**جلیل**) مهربان رفت
نهال پُر ثمر در باغ فرهنگ
بجا بگذاشته ، خود باغبان رفت
جگر پُر خون و ، دل صد پاره گشته
مفاصل آب و ، تاب از استخوان رفت
الهی روح پاکش ، شاد گردان
بسی بارنج و ، با درد نهان رفت
الهی بخش ، تقصیر و گناهی
ز هر یک بنده ای کز عاجزان رفت
الهی ! صبر بر بازماندگانش
که از کف ، طاقت و تاب و توان رفت
خصوص ، **از خاتم غمدیده** او
دُر و گوهر ، ز چشمانش عیان رفت
(**فرید جان**) و (**وحید جان**) ، یادگارش
به دنیای هنر ، ماند ارمغان رفت
ز چشمانیکه (**شهلا**) و (**سهیلا**)
بهاری آفریده ، جاودان رفت
حضورت ده ، مقام خاص بر او
دل بشکسته و ، پُر آرمان رفت
ز « نعمت » این مناجات و دعا را
قبولش کن ، که با اشک روان رفت